

دانشگاه‌ها در معرض بسته شدن قرار گرفته‌اند

انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌ها برای اعزام اجباری دانشجویان به جبهه شعار می‌دهند:

"دانشگاه اسلامی، تعطیل باید گردد!"



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۶۵ برابر ۲۱ آوریل ۱۹۸۶
بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۰۳

چشم پوشی کند. به دنبال فرمان اخیر خمینی ستادی مرکب از معاونت جنگ وزارت فرهنگ و آموزش عالی، نماینده جهاد، نماینده سپاه پاسداران و نماینده انجمن‌های اسلامی دانشگاهها تشکیل شده است که ستاد مرکزی بسیج دانشگاهی نام دارد. وظیفه این ستاد تهیه طرحهای مختلف و به اجرا در آوردن آنها برای اعزام اجباری دانشجویان به جبهه‌هاست.

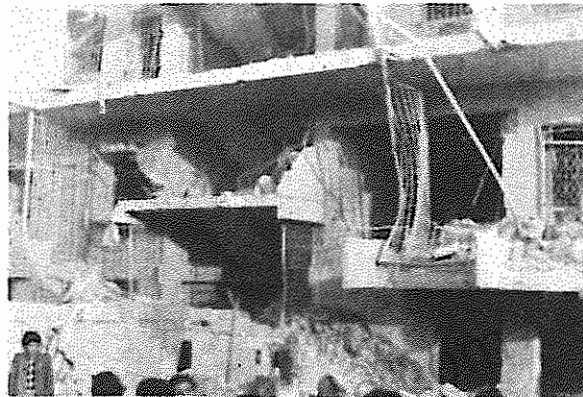
نخستین طرح این ستاد تشدید فشار روانی و ایجاد ترس، رعب و وحشت در دانشگاهها بوده که از سوی انجمن‌های اسلامی به مرحله اجرا در آمده است. دانشجویان همگی تهدید می‌شوند که یا باید "داوطلب" رفتن به جبهه شوند و یا این که در معرض خطر اخراج قرار می‌گیرند. مزدوران انجمن اسلامی درگردهمایی روز ۲۱ فروردین در مسجد دانشگاه تهران شعار می‌دادند که "دانشگاه اسلامی تعطیل باید گردد!" آنها در یک راهپیمایی از دانشگاه علم و صنعت به سوی دانشگاه تهران نیز این شعار را سردادند. آنها در گردهمایی مسجد دانشگاه تهران و نیز در گردهمایی‌های مشابه در دانشگاههای دیگر و نیز در اوراقی که به در و دیوار مراکز آموزش عالی چسبانیده‌اند به شدت به دانشجویانی که به جبهه نمی‌روند حمله ور شده‌اند. آنها در قطعنامه‌ای که در گردهمایی (۲۱ فروردین) قرائت کردند تاکید نمودند که همه دانشجویان باید به جبهه بروند "حتی آنهایی هم که با جنگ مخالفند."

در روز ۱۹ فروردین اعضای "ستاد مرکزی بسیج دانشگاهی" یک مصاحبه مطبوعاتی به راه انداختند. نماینده انجمن‌های اسلامی در این مصاحبه مطبوعاتی گفت: "ادامه حیات دانشگاه عبارت است از حضور در جنگ. مجموعه دانشگاه باید وارد جنگ بشوند و نه فقط نیروهای خط امام. بلکه حتی آن افرادی که نق می‌زنند، افراد واخورده، مخالف و بی تفاوت نیز باید وارد عرصه خدمت به جنگ شوند." (اطلاعات ۲۰ فروردین) وی افزود که تنها اعزام یک سری بقیه در صفحه ۲

جبهه‌ها به گوشت دم توب نیاز دارند. خمینی فرمان بسیج داده است و عوامل ریز و درشت حکومت بسیج شده‌اند تا جوانان، جوانان و حتی سالمندان را نیز به جبهه بفرستند تا اگر چهاران از دیدن پیکرهای پر خاک افتاده آنان مرور گردد. فرمان بسیج، دانشگاه را نیز شامل شده است. دانشگاه چندین هزار جوان را در خود جای داده و خمینی نمی‌تواند از آنها

کشتار مردم طرابلس و بنغازی:

فصل دیگری در سیاهه جنایات امپریالیسم آمریکا



محللات مسکونی طرابلس هدف بمبهای یک تنی آمریکایی قرار گرفتند

در نخستین ساعات روز سه شنبه ۲۶ فروردین به وقت محلی، در حالیکه مردم دوشهر طرابلس و بنغازی در لیبی در خواب بودند، ۲۲ هواپیمای جنگی آمریکایی به مدت نیم ساعت، این دوشهر را بمباران کردند. خلبانان پنتاکون، که فهرست "افتخارات" آن‌ها به هیروشیما و ناکازاکی، به کره و ویتنام و لبنان باز می‌گردد، بمب‌های هزار کیلویی خود را بر سر غیر نظامیان بی دفاع فرو ریختند و فصل دیگری بر سیاهه جنایات امپریالیسم آمریکا علیه خلق‌های جهان افزودند. آتش، ویرانی و مرگ محللات مسکونی

طرابلس و بنغازی را در خود فروبرد. صدها تن کشته و زخمی شدند. برخلاف ادعای واین برگر وزیر جنگ ریگان، که گفته است اهداف نظامی مورد حمله قرار گرفتند، تقریباً همه قربانیان این یورش جنایتکارانه، غیر نظامیان بودند.

دولت محافظه کار بریتانیا مستقیماً در حمله هوایی سه شنبه شرکت داشت. تعدادی از هواپیماهای آمریکایی شرکت کننده در این بمباران، از پایگاه‌های واقع در خاک بریتانیا برخاسته بودند.

بهانه دولت ریگان برای حمله به لیبی، انفجار بمب در یک کلوب تیان به برلن غربی بود که طی آن دوتن، از جمله سرباز آمریکایی کشته شدند. با آنکه مقامات پلیس برلن غربی نیز تا امروز تاکید می‌کنند هیچ دلیل و مدرکی برای دخالت لیبی در این ماجرا وجود ندارد، واشنگتن اقدام مزبور را به دولت لیبی نسبت داد و با گستاخی، نقش دادستان، قاضی و مجری "حکم" را به عهده گرفت، آن هم بقیه در صفحه ۲

بهداشت و درمان، عرصه کشمکش برای غارت و قدرت

که دست اندرکاران حکومتی نیز نمی‌توانند آن را کتمان کنند. از لاپلاهی سخنان مسئولین حکومتی در مجالس و روزنامه‌ها نیز می‌توان جلوه‌ای از وضعیت درمانی کشور را مشاهده نمود.

محفوظی نماینده منتظری در دانشگاه تهران در مورد وضع بقیه در صفحه ۲

سال به سال بهداشت و درمان کشور وضع اسف انگیزتری پیدا می‌کند. کمبود پزشک، پرستار، دارو، درمانگاه، تخت بیمارستان و هزینه گزاف بیمارستانها چنان وضعی به بار آورده که تنها صاحبان پول‌های کلان می‌توانند از امکانات درمانی موجود بهره مند شوند. وضعیت فاجعه‌بار بهداشت و درمان کشور چنان است

می‌خواهند موجی از سنگسار کردن زنان به راه بیندازند

جمهوری اسلامی است که در مرداد ماه سال ۱۳۶۱ از طرف کمیته قضایی مجلس شورای اسلامی بتصویب رسیده است که احکام آن بوسیله جانوران درنده خویی بنام قضات شرع به راحتی آب خوردن جاری می‌شود. پیشتر از آنکه اعمالی چون سنگسار کردن، دست و پای بردن، چشم در آوردن و... قانونیت بیابد و به سانسری حقوقی رژیم فقها تبدیل شود نیز ملایان تاریک اندیش هر جا که فرصتی می‌یافتند، از اجرای این گونه "دادرسی‌های اسلامی" فروگذار نمی‌کردند. بقیه در صفحه ۲

"مرد راهنگام رجم (سنگسار) تا نزدیکی کمر وزن را تا نزدیکی سینه در چاله‌ای دفن می‌کنند، آنگاه رجم می‌نمایند... بزرگی سنگ در رجم نباید بدی باشد که با اصابت یک یا دوتای آن شخص کشته شود و نیز کوچکی آن نباید به اندازه‌ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند..." این جملات تکانه‌دهنده از سنگ نوشته‌ای از دوران قباایل وحشی بدوی گرفته شده است. این‌ها تراوشات بیش و ذهن مرتجعین حاکم بر میهن پلازده‌ماست. این جملات بخشی از مواد ۱۱۷ و ۱۱۹ قانون قصاص

به مناسبت صدور شانزدهمین سالگرد تولد و.ا.لنین

اندیشه‌های همیشه‌پویای لنین در فلسفه و سیاست

در صفحه ۸

پیروزی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

کشتار مردم طرابلس و بنغازی:

فصل دیگری در سیاهه جنایات امپریالیسم آمریکا

بقیه از صفحه اول

"حکم"ی که خود، جنایتی بسیار مولفک‌تر از بهانه غم‌خیزی آن است. همه ناظرین، صرف‌نظر از وابستگی سیاسی‌شان، تایید می‌کنند که انتقام‌جویی و سوار شدن بر موج برانگیخته شده شوونیسم در داخل آمریکا، تنها پوششی برای اهداف واقعی دولت ریگان بود. ایالات متحده دست به کشتار مردم لیبی زد تا به جهانیان نشان دهد برای دستیابی به اهداف استراتژی عمومی خود، از هیچ جنایتی روگردان نیست، تا ثابت کند جنگ را "ادامه سیاست با وسایلی دیگر" می‌داند، و حتی در سایه تهدید فاجعه هسته‌ای نیز از اجرای سیاستی "درامتداد لبه پرتگاه" (به تعبیر دالس، وزیر خارجه آمریکا در دوره جنگ سرد) ایپایی ندارد.

تقریباً همه کشورهای جهان حمله آمریکا به لیبی را محکوم کردند. حتی متحدین واشنگتن، به غیر از بریتانیا و اسرائیل، نخواستند در این جنایات شریک شوند. فرانسه و اسپانیا به هواپیماهای آمریکایی اجازه عبور از حریم هوایی خود را ندادند. ایتالیا و یونان، صریح‌تر از سایر کشورهای اروپای غربی حمله آمریکا را محکوم کردند. این کشورها بار دیگر با این واقعیت سرخست مواجه گردیدند که وقتی پای منافع سیاسی، نظامی، اقتصادی و... در میان باشد، متحد آمریکایی‌شان نه به نظر آن‌ها واقعی می‌گذارد و نه منافع‌شان را در نظر می‌گیرد. چه تحقیقی برای اعضای اروپایی ناتو بزرگتر از این که کتشر، فرستاده آن‌ها و وزیر خارجه آلمان فدرال، در حالیکه عازم واشنگتن بود تا دولت ریگان را از اقدام نظامی علیه لیبی برحذر دارد، یک ساعت پیش از ورود به آمریکا از حمله به لیبی اطلاع یافت.

واکنش اتحاد شوروی در برابر عمل ددمنشانه آمریکا، شدید و قاطع بود. خبرگزاری تاس، این حمله را "زبان واقعی" ایالات متحده، "زبان بمب‌ها، شعله‌ها و مرگ" خواند و افزود، "این همان زبانی است که واشنگتن در برابر ویتنام به کاربرد و مردم ویتنام و سرزمین آن‌ها را به آتش ناپالم افکند. این همان زبانی است که واشنگتن در برابر نیکاراگوئه از آد به کار می‌برد. این، زبان تجاوز است، زبانی که به کمک آن واشنگتن به گرنادا برخورد کرد." در ادامه تفسیر تاس آمده است، "هنوز زود



تقاضای لیبی برای بحث درباره حمله آمریکا تشکیل جلسه داد. درمباحثات شورای امنیت، آمریکا و بریتانیا در برابر سایر اعضای شورا در انزوای کامل قرار گرفتند. نمایندگان چکسلواکی، افغانستان، بنگلادش، لائوس، عربستان سعودی، بنین، ایران، و سودان از شکایت لیبی علیه واشنگتن حمایت کردند. پنج کشور از اعضای غیرمتعهد شورا، که عبارت بودند از غنا، ماداکاسکار، کنگو، ترینیداد و توباگو، به اتفاق امارات متحده عربی طرح قطعنامه‌ای را ارائه نمودند که در آن نقض منشور ملل متحد و قوانین بین‌المللی توسط واشنگتن محکوم شده است.

در سراسر جهان بلافاصله پس از اعلام خبر تجاوز آمریکا به لیبی تظاهرات گسترده‌ای علیه این راهزنی آغاز شد و چندین روز ادامه یافت. در یونان هزاران تن در اعتراض به حمله آمریکا دست به یک اعتصاب یک ساعته زدند. در اکثر کشورهای اروپای غربی به دعوت نیروهای صلحدوست تظاهراتی در برابر سفارتخانه‌های آمریکا انجام گرفت. در خود آمریکا، فزاینده‌ای پس از سخنرانی تلویزیونی ریگان و اعلام خبر حمله به لیبی، تظاهراتی در برابر کاخ سفید و علیه این عمل تروریستی صورت گرفت.

شولتز: هدف ماسرنگونی دولت لیبی بود

چند روز پس از حمله به لیبی، دولت آمریکا گستاخانه اعلام کرد خواهان انجام کودتایی در لیبی است. شولتز وزیر خارجه ریگان طی یک کنفرانس مطبوعاتی گفت هدف درجه اول بمباران مقر اقامت قذافی، از بین بردن گارد محافظ وی و تشویق یک کودتای نظامی در لیبی بوده است. هم‌زمان با این امر، رسانه‌های گروهی امپریالیستی شیعاتی درباره شورش ادعایی بخشی از ارتش لیبی علیه دولت قذافی انتشار دادند و ادعا کردند شخص قذافی از طرابلس خارج شده است. اما پنج‌شنبه شب، تلویزیون لیبی فیلمی از بازدید معمر قذافی از بیمارستان مرکزی طرابلس که محل مداوای مجروحین حمله آمریکاست، نشان داد.

اکثر ناظرین سیاسی معتقدند حمله نظامی آمریکا به لیبی که بی‌آبرویی و انزوای کامل واشنگتن را به همراه داشت، به شکست انجامیده است. اما این ارزیابی امکان انجام اعمال دیوانه‌وار دیگری از این قبیل از سوی آمریکا را منتفی نمی‌سازد.

خود را ارضا کنند، میخائیل گارباجف تاکید کرد، "آمریکایی‌ها در حمله مسلحانه خود به لیبی به اهداف‌شان دست نیافتند" بلکه خود متحمل شکست معنوی - سیاسی گردیدند. در پایان پیام گارباجف آمده است، "ما یلیم اطمینان دهم که اتحاد شوروی عزم راسخ دارد در آینده نیز تعهد خود در مورد ادامه تقویت بنیه دفاعی لیبی را انجام دهد، و این امر به نظر ما در موقعیت کنونی برای کشور شما از اهمیت ویژه برخوردار است."

دولت شوروی طی بیانیه‌ای اعلام کرد با حمله تروریستی به لیبی، دولت آمریکا خود ملاقات وزیر خارجه دو کشور، شوارنداز و شولتز را در موقعیت کنونی غیر ممکن کرده است. بیانیه می‌افزاید، "اتحاد شوروی خواهان پایان دادن فوری به اعمال راهزانه و تجاوزکارانه ایالات متحده علیه لیبی است. در غیر این صورت، اتحاد شوروی خود را ناچار خواهد دید تصمیمات دیگری در این جهت اتخاذ کند."

سایر کشورهای سوسیالیستی نیز جنایت اخیر واشنگتن را شدیداً محکوم کردند. اریش هونکر، دبیرکل حزب سوسیالیست متحد آلمان گفت سیاست ماجراجویانه و برتری‌طلبانه آمریکا صلح جهانی را به خطر می‌افکند. دولت ویتنام اعلام نمود به علت حمله هوایی آمریکا به لیبی، مذاکرات خود با دولت ایالات متحده در مورد سربازان ناپدید شده آمریکایی در جنگ ویتنام را قطع کرده است.

شورای امنیت سازمان ملل متحد به

است که بتوان از عواقب این اقدام جدید تروریسم دولتی سخن گفت. بدون شک، جنایتی که سیاستمداران و نظامیان آمریکا مرتکب شدند، در نهایت با شکست مواجه خواهد گردید. این، درس تاریخ است. "به نوشته مفسر تاس، هدف از حمله، ارعاب خلق لیبی و نشان دادن این امر به سایر کشورهای است که دولت کنونی آمریکا برای تحقق اهداف سیاسی سلطه‌جویانه خود، از کاربرد نیروی نظامی نیز ابایی ندارد.

میخائیل گارباجف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، به دنبال حمله آمریکا پیامی برای معمر قذافی رهبر لیبی فرستاد. در این پیام، ضمن ابراز احساسات همبستگی رهبری و مردم اتحاد شوروی با مردم لیبی، با اشاره به حمایت معنوی، سیاسی، دیپلماتیک و نظامی شوروی از لیبی، آمده است علاوه بر این حمایت‌ها، دولت شوروی بارها به دولت آمریکا جداگانه ابراز کرده است عواقب ادامه سیاست ضد لیبی، نه تنها برای اوضاع منطقه مدیترانه، بلکه برای کل اوضاع جهانی خطرناک خواهد بود و روابط شوروی - آمریکا را نیز تحت تاثیر منفی قرار خواهد داد. گارباجف افزوده است واشنگتن هشدارهای اتحاد شوروی را نادیده گرفته و بار دیگر نشان داده است که مسئول اصلی تشدید تنش‌های بین‌المللی است. رهبر حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطرنشان ساخت ایالات متحده به طور غیر مسئولانه، با سرنوشت میلیون‌ها انسان بازی می‌کند تا تمایلات قدرت‌طلبانه

اعزام اجباری دانشجویان به جبهه

بقیه از صفحه اول

نیروی "داوطلب" به جبهه‌ها کفایت نمی‌کند و همه باید در خدمت جنگ قرار بگیرند.

در این مصاحبه مطبوعاتی برخی از طرح‌های رژیم برای اعزام اجباری همه دانشجویان به جبهه‌ها تشریح گردید. از جمله نماینده جهاد در این مصاحبه گفت: همه دانشجویان "در دانشگاه‌های خود فرم‌های مخصوص سپاه را پر می‌کنند (یعنی باید پر کنند) و با هم آهنگی ستادهای جنگ و جبهه دانشگاه و انجمن‌های اسلامی، ترتیب آموزش و اعزام آنها داده خواهند شد."

یکی از تمهیدات رژیم برای اعزام اجباری دانشجویان به جبهه‌های جنگ دادن عنوان واحد درسی به "طلی حداقل ۶ ماه در جبهه" است. به این ترتیب رفتن به جبهه به صورت یک اجبار آشکار و عریان در می‌آید. این موضوع را نماینده جهاد در مصاحبه مطبوعاتی مذکور صراحتاً بیان داشت.

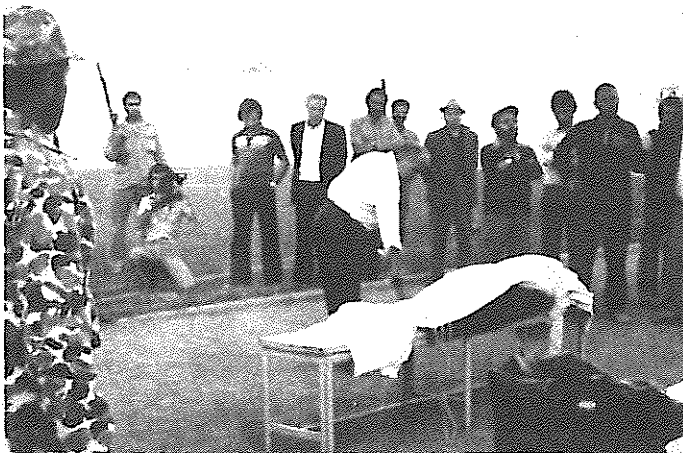
به این ترتیب دانشگاه‌ها مجدداً در معرض خطر بسته شدن قرار گرفته‌اند. هم اکنون بنا بر گزارش‌های رسیده از داخل، امر آموزش در دانشگاه‌ها کاملاً مختل شده است و با این که دانشگاه‌ها ظاهرًا باز هستند اما

در واقع بسیاری از کارهای آموزشی صورت تعطیل به خود گرفته‌اند. جو متشنج است و دیری نخواهد پایید با به خاک و خون کشیده شدن هزاران دانشجو در جبهه‌ها و اخراج کسانی که از رفتن به جبهه‌ها امتناع ورزیده‌اند به مرحله حادی برسد.

همزمان با تشدید فشار برای اعزام اجباری دانشجویان به جبهه‌ها فشار پلیسی در دانشگاه‌ها نیز شد گرفته است. جاسوسان و عوامل رژیم همه جا را می‌پایند تا از شعارنویسی و پخش اعلامیه علیه جنگ و اعزام اجباری جلوگیری کنند.

یکی از جنبه‌های این فشار تازه بر دانشگاه‌ها این است که رژیم خمینی هنوز هم علی‌رغم آنهمه ضرباتی که بر پیکر مراکز آموزش عالی وارد ساخته است دانشگاه‌ها را از "خود" نمی‌داند و مترصد فرصت برای تعطیل آنهاست. رژیم یک زمان خیل اوپاشانش را به دانشگاه‌ها ریخت و در آنها را تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" بست و این زمان می‌خواهد توطئه تازه‌ای را به اجرا در آورد؛ رژیم خمینی می‌خواهد این بار ماشین جنگیش را از روی پیکر درهم شکسته آموزش عالی بگذراند و کار آنها را به زعم خود تمام سازد.

می‌خواهند موجی از سنگسار کردن زنان به راه بیندازند



یک زن بارعایت موازین شرعی شلاق زده می‌شود.

فرار داده است که به مورد اجرا گذاشته خواهند شد.

سنگسار کردن یکی از قساوت‌آمیزترین اشکال جنایت است که تصور آن در ذهن یک انسان سالم، تنها در قالب افسانه‌های هولناک می‌گنجد. تنها جنایتکارانی بیمار با اتکاب به تفکری ارتجاعی قادر به انجام چنین اعمالی هستند. بدون شک تمامی این سنگها توسط مردم با فرهنگ ما همچون کوه بر سر آنها فرو خواهد ریخت و این منادیان توحش قرون را به جایگاه اصلی‌شان - گور - باز خواهد کرد.

بقیه از صفحه اول

در شماره گذشته نشریه "اکثریت" خبری دیگر از سنگسار کردن زنی را در قم درج کردیم. این روزها، رژیم فقها، بنا به اظهارات سخنگویانش در شورای عالی قضایی که از رادیوی تهران ۲۷ فروردین نیز پخش شد در نظر دارد، ظاهراً بمنظور مقابله با فحشای دامن‌گستر که نتیجه فقر فراگیر در میهن‌ماست - این اعمال فجیع ضد انسانی را دامنه و ابعاد بیشتری ببخشند. بنا به گفته موسوی بجنوردی، شورای عالی قضایی احکام چند مورد سنگسار را مورد تأیید

بهداشت و درمان، عرصه کشمکش برای غارت و قدرت

بقیه از صفحه اول

بیمارستان‌ها می‌گوید: به بیمارستانی رفتم که دوازده سال بعد نوبت می‌داد رئیس بیمارستان قلب "شهید رجایی" تهران می‌گوید که از ۱۲ متخصص این بیمارستان تنها سه نفر باقی مانده‌اند. در همین بیمارستان ۸ هزار کودک در نوبت پذیرش هستند و نوبت‌ها برای ۴ سال بعد داده می‌شود. روزنامه کیهان در گزارش خود پیرامون وضع پرستاران و بهیاران می‌نویسد که در سال ۶۲ بر اساس آمار، ۶۵ هزار پرستار و بهیار کمبود داشتیم. صدی یزدی رئیس سابق دانشگاه تهران گفته است که از بیماری در یک بیمارستان خصوصی ۱۵۰ هزار تومان بابت حق معالجه گرفته‌اند و مردی وزیر بهداشتی معترف است که بودجه هزینه خدمات درمانی بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی از ۱۲۰ تومان در ماه به ۴۱ تومان کاهش یافته و همین سازمان ۱۲ هزار تخت بیمارستانی کمبود

دارد. پزشکان مسترا و بطور اجباری، گروه گروه به جبهه‌ها اعزام می‌شوند و کسانی که از این دستور تردد کنند به لغو پروانه پزشکی و سایر مجازات‌ها محکوم می‌شوند. بنا به اعتراف "محفوظی" عده‌ای از پزشکان در عملیات والفجر ۸ کشته شده‌اند. به دستور دولت اغلب بیمارستان‌ها در حال آماده باش نظامی بوده و امکانات درمانی آنها به جبهه‌ها اختصاص داده شده است حتی در بسیاری از بیمارستان‌ها بیماران بستری شده را قبل از موعد مرخص کرده‌اند تا تخت خالی برای انبوه مجروحین جنگی تأمین شود.

بر زمینه این وضعیت اسفبار بهداشتی - درمانی کشور دست-اندرکاران حکومتی فرصت را برای چپاول و برآوردن امیال خود مناسب یافته‌اند. از سویی راه‌اندازی دانشگاه مانند دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه امام صادق و دانشگاه قدس،

"وزارت بهداشتی" سابق و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جدید قرار گیرد. از آنجا که هدف از به تصویب رساندن این قانون بر خلاف تبلیغات طرفداران آن نه حل مسئله کمبود پزشک و رفع مشکلات بهداشتی و درمانی بلکه ایجاد زمینه‌ای دیگر برای غارت، و کسب قدرت بود، لایحه بدون مشارکت و مشورت با دانشگاهیان و کسانی که بعداً ملزم به اجرای آن خواهند شد، به مجلس ارایه گردید.

بعد از صورت قانونی پیدا کردن مسئله ادغام دانشگاه‌های پزشکی در وزارت بهداشتی، درگیری‌ها بالا گرفت، طرفین علیه هم طومار جمع کردند، به روزنامه نامه نوشتند، قلمنامه صادر کردند، در مجلس امضا جمع کردند و سینار بررسی قانون به راه انداختند هر دو طرف در جریان درگیری فساد دستگاه اداری، وضعیت در حال احتضار طرف دیگر وزارت بهداشتی یا آموزش عالی را به رخ هم کشیدند.

که اصرار ویژه‌ای نیز در دایر کردن رشته پزشکی وجود دارد رونق یافته است و از سویی دیگر کشمکش بر سر ادغام تمام دانشگاه‌های پزشکی در وزارت بهداشتی بالا گرفته است. گروهی از دست‌اندرکاران بانکداری بر کمبودها و ناپساامانیهای موجود در دانشگاه‌ها با به تصویب رساندن قانونی، راه جدا کردن کلیه دانشگاه‌های پزشکی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی و ادغام آن در وزارت بهداشتی را در پیش گرفته‌اند. آنها ظاهراً کمبود پزشک را بهانه کرده و اعلام کرده‌اند که با ادغام دانشگاه‌های پزشکی در وزارت بهداشتی بهتر می‌توان پزشک تربیت کرد و به همین منظور نیز قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را سه ماه پیش به صورت ضرب‌الاجل در مجلس به تصویب رساندند. به موجب این قانون مقرر شد که تا اوایل سال ۶۵ دانشگاه‌های پزشکی و امکانات آموزشی دانشگاه‌ها برای رشته‌های گروه پزشکی در اختیار

اجلاس اوپک

اجلاس ۷۷ کشورهای عضو اوپک نتوانست به بحران کاهش قیمت نفت پایان دهد. این اجلاس ابتدا بحث حول مساله حمله آمریکاییه لیبی پرداخت و این تجاوز را محکوم ساخت. بحثهای دو روز اول حول قیمت نفت و راههای مقابله با کاهش آن بی نتیجه ماند و در نتیجه موضوع به کمیته کارشناسان محول شد. پس از پایان بحثهای کارشناسان باز اجلاس وزرا به دلیل کارشکنی عربستان و نیز کویت نتوانست سهمیه تولید نفت را به گونه ای کاهش دهد که از شدت بحران افت قیمت نفت بکاهد.

با توجه به این که این اجلاس قادر نشد تغییری در سطح قیمت نفت به وجود آورد و دست کم چشم انداز روشنی را برای افزایش آتی آن ایجاد کند جمهوری اسلامی خود را پیش از پیش زیر فشار کمبود ذخیره ارزی می بیند. علی رغم این فشار خردکننده رژیم همچنان بر تخصیص بخش اعظم موجودی ارزی به امر جنگ اصرار دارد. آقا زاده وزیر نفت جمهوری اسلامی در طی مصاحبه ای که در آستانه اجلاس ۷۷ اوپک به عمل آورد تاکید کرد که علی رغم کاهش شدید قیمت نفت از نظر تخصیص ارزی برای بودجه چنتی "یک سقف باز در نظر گرفته شده که جبهه ها مقدار نیاز داشته باشند فراهم می شود و این نیاز از طریق کمیسیون تخصیص ارزی قابل تامین است"

وزیر خارجه در جلسه پایانی غیر متعدها

شرکت نکرد

اجلاس وزرای خارجه غیر متعدها صبح روز یکشنبه ۲۱ فروردین پس از ۴ روز بحث و تبادل نظر به کار خود پایان داد. ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در اجلاس پایانی وزرای امور خارجه غیر متعدها به دلیل آنکه بحث حول جنگ ایران و عراق از زاویه ضرورت پایان یخشدن به آن در دستور کار این نشست قرار داشت، شرکت نکرد. اوپامی برای این اجلاس فرستاد و به شدت از جنیت غیر متعدها به دلیل این که خواهان پایان دادن به جنگ است انتقاد نمود.

پازیس گرفتن زمین کشاورزان

حجت الاسلام امام جمارانی سرپرست سازمان حج و اوقاف در طی یک مصاحبه مطبوعاتی در مشهد اعلام کرد که زمینهای وقفی تقسیم شده در میان روستائیان، از آنها پس گرفته خواهد شد. این تصمیم بر اساس قانون مصوب مجلس در زمینه ابطال اسناد مالکیت ۲۲۰ هزار رقبه وقفی تقسیم شده در زمان اصلاحات ارضی به اجرا در می آید.

امام جمارانی در توضیح این موضوع گفت: "مساله استرداد یک امر قانونی است و در مورد بازگشت اموال وقفی از حضرت امام سوال شده که ایشان فرمودند تمام موقوفات از دست رفته باید به وقفیت برگردند و طبق مفاد و قفنامه ها عمل به وقف شود. بر حسب همین فتوا ماده واحده ای به مجلس شورای اسلامی ارائه گردید که مورد تصویب قرار گرفت تا کلیه موقوفاتی که در زمان اصلاحات ارضی به فروش رسیده، اسناد مالکیت آنها باطل و به وقفیت بازگردانده شود."

هفته نیروهای مسلح
و تدویم تبلیغات جنگ طلبانه

در هفته گذشته مراسم متعددی تحت عنوان هفته نیروهای مسلح برگزار شد. در این مراسم تبلیغات جنگ طلبانه شدت بیشتری یافت.

در طی این هفته چندین دسته دیگر به جبهه اعزام شد و تمهیدات تازه ای برای "سپنج نیرو" به اجرا درآمد. از جمله این تمهیدات تدارک تشکیل سمینارهای سپنج در همه شهرستان ها بود.

در این هفته دو طرف در اطلاعیه های نظامی خود تم های همیشگی را تکرار می کردند، مجموعه پراکنده ای از عملیات زمینی و هوایی و دریایی که حمله شب جمعه ۲۰ فروردین جمهوری اسلامی از مهم ترین آن ها بود. جمهوری اسلامی مدعی شد که در این حمله که در ناحیه شمال شرقی دریای خرمک در منطقه عملیاتی والفجر ۸ به اجرا درآمد یک گردان عراقی را منهدم کرده است. عراق این ادعا را تکذیب کرد. روز پیش از آن عراق مدعی شده بود که در منطقه نیشان نیروهای جمهوری اسلامی را ۱۸ کیلومتر عقب رانده است.

مدارس میلیتاریزه می شوند

برای کشاندن نوجوانان به جبهه ها تمهیدات مختلفی چیده اند. از جمله این تمهیدات اجبار معلمان و پرسنل اداری آموزش و پرورش شهرستان شامرود به پوشیدن "اونیفورم نظامی" است. در این مورد در اطلاعات ۲۱ فروردین، مسئول امور تربیتی آموزش و پرورش شامرود چنین توضیح می دهد: "طرح پوشش اونیفورم نظامی که به منظور لیبیک گرایی به ندای رهبر کبیر می باشد تا پایان جنگ و سرنگونی رژیم کافر بعث ادامه خواهد داشت."

آواره، بیکار، بی خانمان

با شروع فصل گرما سیل مهاجرت از روستاها به شهرها شتاب بیشتری می گیرد. از روستاهای گریزند و به شهر می آیند، در این جا نیز چیزی جز آوارگی،

عضو شورای عالی قضایی،

در ایران تعزیر هست، اما شکنجه نیست!

آیت الله موسوی بجنوردی عضو شورای عالی قضایی طی گفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که در زندانهای ایران اثری از شکنجه نیست! وی برای اثبات این موضوع گفت: "دشمنان اسلام مساله تعزیر را که حد شرعی است تحریف نموده و بعنوان وجود شکنجه در ایران بیان می کنند که عاری از حقیقت است." وی در ستایش از شکنجه گاهای جمهوری اسلامی افزود: "زندانهای جمهوری اسلامی ایران اکنون به آموزشگاه و دانشگاه تبدیل شده است. بطوریکه مجرم را پس از طی کیفر به یک انسان واقعی تبدیل کرده و به جامعه اسلامی تحویل می دهد."

آمار تعاونی های کاری

تعداد اعضا و سرمایه تعاونی های کاری تا پایان سال ۶۴ از سوی روابط عمومی وزارت کار و امور اجتماعی اعلام شد. تعداد تعاونی های مصرف، کارگران براساس این آمار ۲۳۴ شرکت می باشد که دارای ۲۷۹ هزار و ۱۸۹ نفر عضو و یک میلیارد و ۵۵۹ میلیون و ۹۰۹ هزار و ۲۹۱ ریال سرمایه می باشند. طبق این آمار تعداد تعاونی های مسکن کاری ۱۶۸۰ شرکت می باشد. در این تعداد تعاونی های مسکن که سرمایه های آنها جمعاً ۵۹۶ میلیون و ۶۱۸ هزار و ۹۷۸ ریال می باشد ۱۶۷ هزار و ۸۹۱ نفر عضویت دارند.

انتخابات میان دوره ای مجلس

انتخابات میان دوره ای مجلس در تابستان برگزار خواهد شد. برابر اطلاعیه وزارت کشور ثبت نام داوطلبان از دهم تیر ماه آغاز خواهد شد.

بیکاری، بی خانمانی و فقر انتظار آن ها را نمی کشد. عکس زیر صحنه آشنایی را در گوشه و کنار شهرها و به ویژه در تهران نشان می دهد.



تعطیلی کامل کارخانه پشمیاف تهران
همان گونه که در "گزارش اعتصاب کارگران پشمیاف تهران" (اکثریت ۶۴) و "مبارزه پیگیرانه کارگران پشمیاف تهران" (اکثریت ۹۰) نوشتیم کارگران این کارخانه از ماهها پیش با کارفرما بر سر پرداخت حقوق معوقه و راه اندازی مجدد کارخانه درگیری داشتند. کارگران که در وضعیت مالی سختی به سر می بردند، سرانجام وی را دستگیر و با تعهد کتبی مسئول اداره کار شهر ری مبنی بر پرداخت کامل مطالبات برحقشان، آزاد کردند. اما تعطیلی کارخانه همچنان ادامه یافت و کارگران تنها توانستند "دوماه از حقوق معوقه خود را بازپس بگیرند."
چندی پیش با شکایت مجدد کارگران علیه کارفرما و پیگیری آنان، علی رغم همه دسایس کارفرما و ترفندهای حامیانش، دادگستری در برابر اقدام متحد کارگران عقب نشست و به نفع آنان رای داد. اما امکان راه اندازی مجدد کارخانه و اشتغال کارگران در آن را مردود دانست. کارگران کارخانه را توقیف کرده و به ناچار بابت حق سابقه و حقوق معوقه و سایر مطالبات خود تعدادی از دستگاههای کارخانه را به مبلغی حدود ۱۵ میلیون تومان فروختند که ظاهراً در حد مطالباتشان بود. تاکنون ۸۰ نفر از کارگران از طریق دادگستری تسویه حساب کرده و چک خود را دریافت کرده اند.
کارگران فعالیت جمعی خویش را برای اشتغال دوباره، ادامه می دهند. آن ها به وزارت کار رفته و خواهان امنیت شغلی شده و از وزیر کار خواسته اند که آن ها را در واحد دیگری به کار بگمارد. وزیر کار به کارگران گفته است به اداره کار شهری بروند و اسم بنویسند تا اگر احیاناً در جایی کار پیدا شود به آنجا

معرفی شوند و با "حداقل حقوق" به کار بپردازند. کارگران که برخی از آن ها تا بیست سال سابقه کار دارند، همچنان به تلاش های مشترک خود برای فرار از چنگال بیکاری ادامه می دهند.

همه چیز برای سرمایه داران، کشته شدن در چپه پرای کارگران

دست اندرکاران رژیم که کمر به خدمت سرمایه داران ز الوصف بسته اند، از سر میراشرافی معدوم صاحب سابق کارخانه پارس فایرستون که پس از انقلاب مصادره شده بود، جهت بازپس گرفتن آن دعوت به عمل آورده اند. او هم مانند صدامفت خوار دیگر با تکیه بر خیانت پیشه گری سران رژیم تقاضای خون بهای پدر خویش و جبران ضرر و زیانی را که در این چند ساله دیده، نموده است.

در ضمن در همین کارخانه امام جماعت از کارگران خواسته است به چپه بیرون وی که از بی اعتنائی کارگران پارس فایرستون نسبت به تبلیغات جنگ طلبانه رژیم، خشمگین بود خطاب به کارگران گفته است: شما آبروی ما را برده اید!

وضعیت دردناک کشاورزان

وضعیت کشاورزان و روستائیان ایران آنچنان دردناک است که تهیه هر گزارشی از آنان به هر حال گوشه ای از رنجی که مردم میهنمان متحمل می شوند را به نمایش می گذارد. مدتی پیش در برنامه اقتصادی تلویزیون جمهوری اسلامی شمه ای از سیه روزی و در بدری کشاورزان زحمتکش ایران به نمایش گذاشته شد. در این برنامه همه کسانی که با آن ها مصاحبه به عمل آمده بود، یک صدا از رنج طاقت فرسای خود و

تشدید کنترل پلیسی

پاسخ مذبوحانه رژیم به گسترش فعالیت دانش آموزان انقلابی

سودهای کلان دلان و سرمایه داران سخن می گفتند و آشکارا بر سر گرداندگان چمپوری اسلامی فریاد می زدند که ما زمین و آب می خواهیم و شما به آن هیچ توجهی ندارید. حتی چند نفری از کشاورزان می گفتند حاضریم از دولت زمین اجاره کنیم و پس از پرداخت اجاره نیمی از آنچه را که بدست می آوریم به دولت بپردازیم. یک کشاورز ستم دیده فریاد می زد من از مال دنیا همین یک بیل را دارم. دو سال در محلی کار کردم و بعد از آنجا بیرونم کردند. کشاورز دیگری در رابطه با فروش محصول کشاورزی خود می گفت حاضریم محصول را به یک دهم قیمت بازار بفروشیم اما کسی نمی خورد و دیگری می گفت حاضریم خیار را منی چهار تومان بفروشیم در صورتیکه در بازار کیلویی ده تا دوازده تومان به فروش می رسد.

قرائت قرآن قبل از درس شیمی

در دانشکده شیمی دانشگاه اصفهان هنگام شروع درس، بین یک استاد و چند دانشجوی عضو انجمن اسلامی بر سر اینکه در هر جلسه، قبل از تدریس در ابتدا باید قرآن خوانده شود، اختلاف بوجود آمد. استاد خواست حزب اللهی ها مبنی بر قرائت قرآن را رد نمود و آن را بی ارتباط به موضوع درس دانست. اکثر دانشجویان نیز از وی حمایت کرده در مقابل حزب اللهی ها ایستادگی کردند. چند دانشجوی وابسته به رژیم که عرصه را بر خود تنگ یافتند، از استاد شکایت کردند. دایره حفاظت و انجمن اسلامی آنان را مورد حمایت قرار داد اما مدیریت دانشگاه از استاد پشتیبانی کرد. در پی این ماجرا استاد مجبور به استعفا گردید.

- ۱- کنترل بی حجابی و بی حجابی در مدارس و اجرای یخسانه های شماره ۲۰۱/۱ م/۶۴/۹/۶ و ۶۴/۹/۱۱ م/۹۸۴
- ۱۰- اعتصاب و تحصن و درگیری معلمان و دانش آموزان و غیره.
- ۱۱- ایجاد ناراضیاتی عایی از سوی معلمان و محصلین و اعتراضات و اعتصابات.
- ۱۲- مشاهده هر گونه فعالیت های ضد انقلاب در بین معلمان و بخصوص دانش آموزان.
- ۱۳- تبلیغات سوجوسازهای کاذب و غیره.
- ۱۴- کشف مهمات و وسائل مشکوک (اعم از فشنگ و غیره)
- ۱۵- مواردی که نشانگر مشکل روانی و اخلاقی ... دانش آموزان می باشد.
- خواهشمند است ضمن ایجاد هماهنگی لازم بین مربیان پرورش و مدیران آموزشگاهها و اعضا هسته های ستاد امنیت که زیر نظر مدیران محترم ایثارگر مدارس انجام وظیفه می نمایند در اجرای موارد فوق الذکر کوشا باشند.

مدیر کل آموزش و پرورش آذربایجان غربی
حسن نعمت

- ۱- از شعارنویسی - پخش اعلامیه (تراکت دست نویس) گروه های ضد انقلاب در مدارس بهر نحوی جلوگیری بعمل آید و در صورت مشاهده گزارش فرمائید.
- ۲- آوردن هر نوع نوار و کتاب و عکس و مجلات مبتذل جهت اشاعه فساد یا خط و خطرات آن ممنوع و در صورت کشف ضبط ارسال فرمائید.
- ۳- از بحث های چند نفری در رابطه با کل جریانات و مسائل سیاسی ضد انقلابی بین دانش آموزان جلوگیری فرمائید.
- ۴- پخش اعلامیه ها و مجلات توسط بعضی از گروه ها و دانش آموزان که باعث اشاعه فساد می گردد ممنوع و موارد بهمه راه مدرک گزارش شود.
- ۵- فعالیت های پانکی - ارتش سری ارامنه و حزب داشناک و ... ممنوع است.
- ۶- هر گونه نوشته های مشکوک (دستی - خطی - کتابی و ...) ارسال گردد.
- ۷- پاره کردن تصاویر شخصیت های مملکتی و پوسترهای مربوطه که بهر نحو و عنوانی در مدارس نصب می گردد.
- ۸- توهمین به شخصیت ها و مراساتی که در مدارس برگزار می گردد از جمله (مراسم صبحگاهی در روزها و ایام مخصوص یوم الله، ده فجر - مفتی وحدت ۱۳- آبان ...)

گسترش فعالیت دانش آموزان انقلابی، و به ویژه جوانان فدایی در مدارس، مقامات رژیم را به هراس افکنده است. آنها برای مقابله با آگاهی روزافزون دانش آموزان از ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی و روی آوردن آنها به مبارزه فعال با این رژیم، حربه کهنه خود را که همان تشدید کنترل پلیسی است، به کار می گیرند. نمونه ای از تلاش برای برقراری جو کنترل و مراقبت فاشیستی در مدارس، یخسانه مدیر کل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی به همه ادارات آموزش و پرورش این استان است. متن این یخسانه به شرح زیر است.

بسمه تعالی

اداره آموزش و پرورش شهرستان ...
۶۴/۱۰/۱۵-۲/۱۱۸۲

با اهدا سلام تحیات و ضمن قدردانی از خدمات ایثارگران دست اندرکاران نظام جمهوری اسلامی در تکر علم و دانش در رابطه با مسائل امنیت و سیاس و سایر موارد مشروحه زیرین اقدامات لازم را معمول دارند و مراقبتهای ویژه را اعمال دارند لازم به توضیح است که به محض مشاهده موارد مشروحه زیر، حداکثر تا ۲۴ ساعت به حراست اداره مربوطه یا حراست اداره کل (ستاد امنیت) در عرض گزارش نمائید.

خورده زیر تللوچراغهای نئون برق می‌زد. ولی هر درخشنده بیم و اضطراب در دل من بود. درختان بلند سرسبز که در شب سیاهی و هم آوری دارد. از فضای ساکت و تاریک روشن خیابان موج موج ترس می‌بارد. صحنه‌های راه یادم می‌آورد که "ضد انقلابیون... به آدم ربایی دست می‌زنند" و چه طعمه‌ای بهتر از همراهان رئیس جمهوری اسلامی ایران. دلهره‌ای بی‌جاست. خود را در فضا معلق می‌یابم. کامیابم یارای رفتن ندارد. هریک یا چند نفر را که از دور می‌بینم، توهم این که آنهاضد انقلابیون باشند، به سختی مضطرب می‌کند.

شب عجیبی است. هیچکس، راستی هیچکس جز خدا حالت مرا نمی‌داند. یک بار از خیابان اصلی به یک فرعی پیچیدم که خیال کردم سفارت آنجاست و پس از چند ده قدمی بازگشتم که گم نشوم. در اینجا بود که از آنسوی خیابان صدای چند آشنا گوشت را نوازش داد: "حاج آقا! کجا؟ سفارت؟ سفارت آنجاست توی آن خیابان بعدی... رفقا همه جمعند، شام هم آماده است..." خوشحال شدم! خود را دوباره پیدا کردم! ا جان جدید یافتم! از برادران تشکر کردم و از آنها جدا شدم ولی اشتباه بزرگی که کردم این بود که به ارائه طریق آنها اکتفا کردم و به یکی از آنها نگفتم که با من بیاید. دلهره و اضطراب، دیگر بار به سراغم آمد. خدایا! اگر اینها که باز دارند می‌آیند از توطئه‌گران ضد انقلابی باشند و مرا با خود ببرند چه می‌شود؟ و بار دیگر خدا به سراغم آمد و خدا صدایی در دهان یکی دو ایرانی دیگر که داشتند از دور می‌آمدند خلق کرد که "حاج آقا! سفارت می‌روید؟ همین نزدیک است! همین دست، آن بالاتر..." بالاخره با طی این مسافت کوتاه که برای من ساعتها گذشت، به محل سفارت رسیدم. دوستان جمع بودند و چلوکباب و مرغ برقرار بود. آدم در این گونه مواقع هم معنی جوع را لمس می‌کند و هم معنی خوف را. هم گرسنگی را و هم ترس را. تا آدم خودش گرسنه نباشد و دچار ترس شدید نشود و آنگاه به جای امنی نرسد و غذا خوبی نخورد نمی‌فهمد. این حکایت به خوبی نشان می‌دهد آنها که مردم را "امت شهید پرور" می‌خوانند و می‌خواهند، آنها که همه را تشویق به ابراز شجاعت برای شهادت می‌کنند، خود چه دلیرانی هستند که برای طی طریق از هتل تا سفارتخانه برای صرف "چلوکباب و مرغ" صد بار قالب تهی می‌کنند.

بریم بخوابیم. گفتند حدود ۱/۵ ساعت دیگر آماده می‌شود.

ما هم موقتاً از خیرشام سفارت هم گذاشتیم و با ماشین با آقای هراتی به هتل آمدیم. شاید هنوز ساعت ۸ شب نشده بود که خوابیدیم. ولی پس از یک ساعتی پشت در می‌کوبیدند، گویا

مسخرگان شکم پرست شهادت طلب!

از سفارت آمده‌اند که ما را برای شام ببرند. آقای هراتی گفت من نمی‌آیم. من هم پس از معطلی و تأمل آمدم در را باز کردم که بروم دیدم رفته! آمدم بیرون که پیدایش کنم در از توقفل شد! حالا بیرون مانده‌ام با لباسهای زیر! آقای هراتی هم داخل اطاق در حال خواب است. چه کنم؟ خدا یا چاره‌ای نبود. در زدم. آقای هراتی بیدار شد. در را باز کرد. ناراحت شده بود. گفتم نمی‌آیید پرویم شام بخوریم؟ گفت نه میل ندارم، سرم درد می‌کند. من هم برگشتم توی اطاق و تنها نشستم به فکر کردن و از ناراحتی یادداشت نوشتن! گرسنه‌ام هست خوابم نمی‌برد، گرسنه‌ام. بالاخره پس از مدت‌ها تفکر و

این صحنه‌ها در این سفرنامه بسیار است.

از مسخرگی و خودخواهی آنان که بتکذیب چیز دیگری که در "سفرنامه" جلب نظر می‌کند شکم پرستی مفرط "آقایان" است. در هر قسمت این "گزارش سیاسی" چهار پنج بار

صحبت غذا خوردن به میان کشیده شده است. "اکل و ماکولات" چنان ذهن حجت الاسلام سفرنامه نویسن ملترزم رکاب رئیس جمهور را به خود مشغول داشته که اوفقطیه خوردن فکر می‌کند و حتی مثلاً فراموش نمی‌کند در روزنامه رسمی و در گزارش از سفر رئیس جمهور یک آخوند دیگر راه زیرنیش انتقاد بکشد که چرا سهم پسته و خربزه اورا در مهمانی سفارت کش رفته است. از سفرنامه این آقا برمی‌آید که همه سفارت خانه‌های ایران بخشی از ساختمان خود را چلوکبابی کرده‌اند تا حضرات در خارج از کشور سورچانی شان لنگ نشود. این خودخواهان شکم چران

اگر به یاد داشته باشید، سال گذشته خامنه‌ای سفری داشت به پاکستان و چند کشور آفریقایی. قضیه ضیافت رسمی در زامبیا و امتناع رئیس جمهور از شرکت در آن به خاطر حضور چند زن که از شخصیت‌های سیاسی این کشور بودند را هم که حتماً به خاطر دارید، ماجراهای این سفر را آخوندی به نام "محمد جواد حجتی کرمانی" که جزو هیات همراه رئیس جمهوری در مذاکرات عضو کمیته فرهنگی بوده است به رشته تحریر درآورده و بخش بخش به صورت یک پاورقی در روزنامه کیهان زیر عنوان "ناگفته‌های سفر" به چاپ رسانده است. خواندن این سفرنامه از نظر شناخت بیشتر فقیهان دولتمرد بسیار جالب است. سفرنامه نشان می‌دهد که این موجودات بیشتر به چه می‌اندیشند، چه احساسی از نشستن بر اریکه قدرت دارند، باهم و با دیگران چگونه رفتار می‌کنند و کلاً چه خلق و خوئی دارند.

اولین خصیصه‌ای که در پرسوناژهای این سفرنامه چشمگیر است مسخرگی مفرط آن‌هاست. محمد جواد حجتی کرمانی در این مورد خاطره جالبی نقل می‌کند. او در کیهان ۲۸ اسفند ۱۳۶۴ می‌نویسد:

در دارالسلام "برای صرف ناهار به رستوران رفتیم. آقای قرائتی (مسئول نهضت سوادآموزی و عضو هیات همراه رئیس جمهور) وارد شد و در حالی که می‌خواست خستگی‌اش را به گونه‌ای برطرف کند گفت چند روز است که از شنیدن صل علی محمد، یار امام خوش آمد، محروم شده‌ایم و خودش شروع کرد برای خودش شعار دادن و ما چند نفر هم یا او هم آواز شدیم و مردم دیگر که نه زبان ما برایشان مفهوم بود و نه قیافه‌ها مان معلول و مرسوم و نه این گونه همسرای را به عرشان دیده بودند، خیره خیره به ما چشم دوختند و کوش‌هایشان را برای تشخیص آواها تیز کردند. این هم نوعی "صادر کردن انقلاب" است که آدم باجمعی از آدم‌ها، بالباس‌ها و قیافه‌ها و آواها و برخوردهای ویژه‌ای، توجه ناظران را به خود جلب کنند... البته نه به گونه‌ای که دیگران از آدم سوء استفاده کنند یا آدم را دست پیندا زنند!"

حال شما خودتجم کنید تعدادی آخوند در رستوران یک هتل در یک کشور خارجی نشسته‌اند و برای خودشان شعار می‌دهند و قریان صدقه خودشان می‌روند. این مسخرگان خودخواه چنان به قدرت خو گرفته‌اند که اگر کسی نباشد برایشان شعار زنده باد بدهد دچار نوستالژی می‌شوند. از



تأمل تصمیم می‌گیرم که به تنهایی (بدون اسکورت مخصوص! روحیه شجاعت و شهادت طلبی از اینجا به بعد نمود می‌یابد) راه بی‌فتم بسوی سفارت! راه بین سفارت و هتل را می‌شود پیاده پیمود ولی کار نادرستی است! در هر صورت چاره‌ای نبود! مسافت کوتاه بین ساختمان سررای ورودی هتل را طی کردم. در آنجا چند نفر آدم اروپایی دیدم که مشغول کار خودشان بودند. شاید پوکر می‌زدند. یک نگاه ابهام آمیزی به من انداختند. چند تن را هم نزدیک‌های در هتل دیدم. با توکل برخدا وارد خیابان شدم. آسفالتهای خیس و باران

بسیار لاف شجاعت و "شهادت طلبی" می‌زنند. حجتی کرمانی با نقل ماجرای در کیهان ۲۴ فروردین تصویر جالبی از شکم پرستی و در همان حال باصلاح شجاعت و شهادت طلبی نظایر خود را ارائه می‌دهد. او می‌نویسد، در موبوتو پایتخت موزامبیک پس از بازدید از یک "مسجد" به سوی سفارت برگشتیم. گفتند ما برای شام ساموراسل دعوت داریم و آن‌ها هم که دعوت ندارند برایشان در سفارت تدارک دیده‌اند. از خیر شام رئیس جمهور موزامبیک گذاشتیم که به استراحت بپردازیم. گفتیم اگر چیزی هست همین‌جا بدهید بخوریم

Ernst Thälmann
1898 - 1944

A high-contrast, black and white portrait of Ernst Thälmann. He is shown from the chest up, wearing a dark suit jacket and a light-colored shirt. His expression is serious, and he is looking slightly to the right of the viewer. The background is dark and indistinct.

▼ پلیس آلمان فدرال از کلیه شرکت کنندگان در تظاهرات نیروهای صلح دوست و ترقیخواه فیلمبرداری و عکس برداری می‌کند

برادر اسلامی نسب معارف
تامین مایحتاج وزارت بازرگانی در
سیزدهمین اجلاس هیات رئیس و
معاونان اتاقهای بازرگانی و صنایع و
معادن سراسر ایران؛

[illegible]

تا آرمانی‌هایی را که توبه میراث نهاده‌ای تحقق بخشند.

به مناسبت صد و شانزدهمین سالگرد تولد و. ا. لنین

اندیشه‌های همیشه‌پویای لنین در فلسفه و سیاست

۲۲ آوریل، مصادف با صد و شانزدهمین سالگرد تولد لنین، آموزگار کبیر پرولتاریای جهان است. بدین مناسبت، ترجمه تلخیص شده مقاله‌ای تحت عنوان "فلسفه و سیاست، پویایی اندیشه‌های لنین" به قلم یاکوب نتوپیلیک، عضو پیوسته آکادمی علوم چکسلواکی رادرج می‌کنیم.

★ ★ ★

لنین شخصیت همه‌جانبه‌ای بود که نظیر آن به ندرت وجود دارد. اما تنها ویژگی‌های فردی وی از اهمیت برخوردار نبود. لنین باهوش فوق‌العاده، شور سرشار انقلابی و قدرت تأثیرگذاری شگرف خود، تجسم بهترین خصوصیات یک انقلابی مارکسیست بود. وی برای کمونیست‌ها سرمشق وحدت جهان‌بینی و پراتیک، تئوری و اسلوب عمل انقلابی، حرف و عمل است. امروز نیز این هشدار لنین همانند آغاز قرن حاضر مهم است: "هر کس که به سراغ مسایل خاص برود، بدون آنکه قبل از آن مسائل عام را حل کرده باشد، در هر گام بطور اجتناب‌ناپذیر و ناخود آگاه روی این مسائل عام "سکندری" خواهد خورد. و هرگاه در هر مورد جداگانه، روی این مسائل سکندری بخوریم، سیاست خود را به بدترین اعوجاجات و بی‌پرنسیپی محکوم کرده ایم."

برای مارکسیست‌ها، تدوین ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی همواره با حل معین مسایل اجتماعی و سیاسی در پیوند بوده است. این، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فلسفه مارکسیسم - لنینیسم است که آن را از فلسفه بورژوازی که معمولاً می‌کوشد چنین وانمود سازد که غیر سیاسی و غیر جانبدار است، متمایز می‌کند.

در جامعه امروز، هر نظام فلسفی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم منافع طبقه معینی را بازتاب می‌دهد و در چارچوب ایدئولوژی آن قرار می‌گیرد. بنابراین، مساله بر سر آن نیست که فلسفه معینی، شکل ایدئولوژیک داشته و با سیاست در پیوند باشد یا نه، بلکه مهم آن است که این ایدئولوژی کدام است، چه اهدافی را دنبال می‌کند و "وحدت" فلسفه و سیاست چه محتوایی دارد.

در همه مباحث ایدئولوژیک درباره این مساله، محتوای مفهوم "لنینیسم" و نقش ایدئولوژیک و سیاسی آن در جامعه از "تکات داغ" است. عقاید تک تک نویسندگان بورژوا و شبه مارکسیست در این باره کاملاً متفاوت است، اما برخی گرایش‌های تعیین‌کننده را می‌توان تشخیص داد. برخی، لنین را قبل از هر چیز "فعال انقلابی"، و نه اندیشمند و تئوریسین، قلمداد می‌کنند. موضع "معتدل‌تر"ی هم وجود دارد که گرچه نقش تئوری سیاسی در لنینیسم را به رسمیت می‌شناسد، اما اهمیت اصولی فلسفه لنین را نادیده گرفته و یا کمتر از آن چه هست جلوه می‌دهد.

آن چه چنین تئوریسین‌هایی کمتر از هر چیز قادر به "هضم" آن هستند، این است که آثار لنین نمونه‌ای برای پیوند عمیق و شریخش حل مسایل جهان‌بینی و سیاست به شمار می‌روند.

طبق رهنمود لنین، تئوری فلسفی باید پاسخ‌گوی محتمل‌ترین نیازهای فکری پرولتاریا باشد. اگر این تئوری بر ضرورت‌های علمی مطابقت داشته باشد، آگاهی و بیداری طبقه کارگر، اورا به‌طور قطع به زیر پرچم سیاست مارکسیستی و کمونیستی گرد خواهد آورد.

این پندار که فلسفه، اگر به عرصه زندگی اجتماعی وارد شود، می‌تواند "بی‌طرف" بماند، توهمی بیش نیست، اما عملاً وجود دارد؛ از تئوریسین‌ها و رهبران بین‌الملل دوم گرفته تا کنون، کوشش به عمل آمده است که ثابت شود که فلسفه غیرجانبدار و پراتیک سیاسی فاقد پایه‌های ایدئولوژیک، موجه و حتی لازم است.

قبل از هر چیز در این باره بحث صورت می‌گیرد که آیا قوانین عینی طبیعت و تکامل اجتماعی وجود دارند یا نه. هرگاه، آن گونه که تجربه گرایان (امپریست‌ها) ادعا می‌کنند، سخن گفتن از ماده بی‌پایه باشد، دلیلی هم برای اعتقاد به قوانین عینی وجود ندارد. از میان این قوانین، فلسفه "بی‌طرف" به ویژه مبارزه طبقاتی، نقش رهبری پرولتاریا در روند تاریخی کنونی و اجتناب‌ناپذیری گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم را نمی‌تواند تحمل کند. اما دیگر در اینجا هیچ وجه یا فلسفه "بی‌طرف"ی، سروکار نداریم (چه به لحاظ شناخت‌شناسی و چه از لحاظ سیاسی)، بلکه در این جا دکترین بورژوا - رفرمیستی مطرح است.

از فلسفه "بی‌طرف" تا "سیاست میانه" فاقد محتوای طبقاتی؛ این، نه تنها منطقی، بلکه تاریخی واقعی سوسیال رفرمیسم دوران مانیزم است.

لنین نوشت: "روش مارکس به ویژه در آن است که محتوای عینی روند تاریخی را در هر لحظه مشخص و در هر موقعیت مشخص در نظر می‌گیرد و به ویژه درمی‌یابد که حرکت کدام طبقه، نیروی محرکه اصلی برای پیشرفت ممکن در این موقعیت مشخص است." لنین روش شناخت دیالکتیک مارکسیستی را در برابر التقاطی‌گری (اکلکتیسیسم) قرار داد. التقاطی‌گری، اگر چه در ظاهر، چند جانبه است و گرایش‌های متضاد را در نظر می‌گیرد، عملاً تنها کاریکاتوری از دیالکتیک است. لنین در شکل‌گیری التقاطی‌گری در تفکر و در برخورد به مسایل سیاسی، به ویژه به مساله تعیین راه‌ها به سوی سوسیالیسم، خطری برای جنبش کارگری می‌دید و از این رو برای انتقاد از "سوسیالیسم التقاطی" که بدان چاشنی بورژوا - دمکراتیک اروپایی افزوده شده بود، اهمیت زیادی قائل بود.

در این رابطه لنین می‌نویسد: "اگر دو یا چند تعریف مختلف را به‌طور کاملاً تصادفی به هم پیوند دهیم، تعریفی التقاطی به دست می‌آوریم که به جنبه‌های گوناگون یک مقوله اشاره دارد و دیگر هیچ. منطق دیالکتیکی می‌طلبد که ما از این حد فراتر رویم. برای شناخت واقعی یک مقوله، باید همه جوانب، همه پیوندها و "ارتباطات" آن را مورد بررسی و کاوش قرار داد. ما هرگز نخواهیم توانست این امر را کاملاً تحقق بخشیم، اما منالیه همه جانبدارگری، ما را



از اشتباهات و جزم اندیشی برحذر خواهد داشت. " اکلکتیسیسم دقیقاً به تجزیه‌های مرده و میانه تهمی متوسل شده، ماهیت روندها را نادیده انگاشته و پیوسته خاص و عام، تصادفی و ضروری را باهم مخلوط می‌کند. به ویژه نظرات تئوریسین‌های بین‌الملل دوم (ک. کائوتسکی، ا. واندروولده و دیگران) در رابطه با دولت و دمکراسی از این دست بودند.

مارکس و انگلس پیش‌بینی می‌کردند که دولت به مثابه نهاد ویژه، در جامعه کمونیستی زوال خواهد یافت و با دقت علمی، شرایط آن را نیز تعریف کردند؛ کسب قدرت توسط طبقه کارگر، در هم شکستن انقلابی دستگاه دولتی بورژوازی، ایجاد دولت سوسیالیستی، شکل‌گیری دمکراسی و خودگردانی سوسیالیستی. اما پیروان منطق اکلکتیک می‌گفتند چون کمونیسم جامعه‌ای است که نیازی به دولت ندارد، زوال تدریجی آن باید در شرایط سرمایه‌داری، و در روند "دمکراتیزه شدن" آن آغاز شود. و یا به عبارت دیگر، سرمایه‌داری "به خودی خود" و از طریق اصلاحاتی که قدرت دولتی انجام می‌دهد، "دمکراسی کامل" را تحقق خواهد بخشید.

لنین، منطق اپورتونیسم را افشا کرده و تأکید ورزید: "معمولاً دو جنبه را به کمک اکلکتیسیسم به هم پیوند می‌دهند، گاه این و گاه آن نقطه نظر را پاتهی مغزی و سفسطه‌گرایی و به نحو دلخواه (و یا به دلخواه قدرتمندان) برجسته می‌کنند. در این میان در ۹۹ حالت از صد حالت (اگر بیشتر نباشد) روی همان "زوال" تأکید می‌کنند. التقاطی‌گری جای دیالکتیک را می‌گیرد."

این سؤال که "سخن بر سر کدام دمکراسی است، دمکراسی بورژوازی یا پرولتری؟"، ادامه دهندگان مشی اپورتونیستی در جنبش کارگری و تئوریسین‌های "سوسیالیسم دمکراتیک" را خوش نمی‌آید. به نظر آن‌ها باید به فکر "دمکراسی صرف" ◀

جامعه‌ای که ایجاد کرده‌ایم، به خود می‌بالد

بقیه از صفحه ۱۲

۱۹۸۵، به خوبی به پایان رسیده است. رشد عمقی تولید به مبنای تعیین کننده رشد اقتصاد تبدیل شده و برای مدتی طولانی، رشد لازم برای اقتصاد تضمین گردیده است. آهنگ افزایش بازده تولید پیوسته بالا می‌رود. حزب، به موقع ضرورت کاربست جدیدترین طرح‌های علمی-فنی را دریافته است. سالانه به طور متوسط ۵۰۰ میلیون ساعت کار، که برابر حجم نیروی کار ۲۰۰ هزار نفر است، با استفاده از دستاوردهای علمی-فنی صرفه جویی گردیده است.

طی پنج سال گذشته، آهنگ رشد اقتصاد آلمان دمکراتیک هر سال بیش از سال گذشته بود. طی ۶ ماهه اول سال گذشته، درآمد ملی برابر کل میزان آن در سال ۱۹۷۰ بود. مونتر افزود: "ما با احساس غرور می‌توانیم اعلام کنیم معدود کشورهایی در جهان وجود دارند که در درآمدت، رشد اقتصادی چنین پویایی داشته و آن را پیوسته به پیشرفت اجتماعی فراوانیافته باشند."

یکی از معیارهای نقش فزاینده علوم و فنون در رشد اقتصاد جمهوری دمکراتیک آلمان، نرخ قابل توجه رشد تولید میکروالکترونیک و ریوت سازی است. در حالی که در سال ۱۹۷۰ در این کشور حتی یک آدمک ماشینی (ریوت) وجود نداشت، در پایان سال ۱۹۸۵ شمار آن‌ها به ۵۶۶۰۰ رسید.

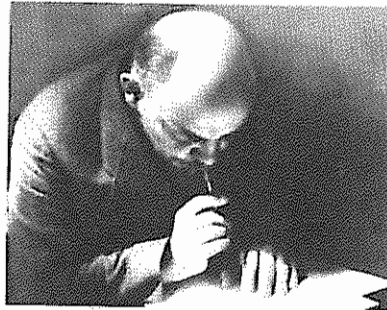
برای پنج سال آینده، پیش‌بینی شده است که تولید ملی معادل ۱۲۰ میلیارد مارک باشد.

دبیر کل حزب سوسیالیست متحد آلمان رئوس استراتژی اقتصادی آلمان دمکراتیک تا سال ۲۰۰۰ را چنین اعلام کرد:

- ۱- پیوند زدن بازهم موثرتر برتری‌های سوسیالیسم با دستاوردهای انقلاب علمی-فنی
- ۲- شتاب بخشیدن به افزایش بازده کار.
- ۳- تضمین رشد تولید در عین کاهش مصرف مواد خام و مواد اولیه و مصرف انرژی.
- ۴- دستیابی به کیفیتی از تولید که برابر معیارهای بین‌المللی باشد.
- ۵- کفایت افزایش سوسیالیستی تولید از طریق کاربرد وسایل فنی هر چه مدرن‌تر.
- ۶- افزایش اثربخشی کار.
- ۷- اختصاص بخش اعظم سرمایه‌گذاری‌ها به امر مدرنیزه کردن.
- ۸- افزایش تولید مواد مصرفی طبق نیازهای جامعه.
- ۹- تضمین رشد مداوم و پویایی اقتصادی.
- ۱۰- تعمیق مداوم بازتولید اقتصادی و قرارداد آن بر مبنایی پایدار.

همگام با اتحاد شوروی در راه صلح

اریش مونکر خاطرنشان ساخت: "برخورد سرشار از ابتکارات اتحاد شوروی به مسایل سیاست جهانی و برنامه‌های جامع شوروی برای رها ساختن جهان از همه سلاح‌های اتمی تا سال ۲۰۰۰ و ایجاد نظام امنیت بین‌المللی، مرحله ثوینی در سیاست صلح ما گشوده است." وی موافقت و حمایت کامل کشورش را از ابتکار صلح شوروی اعلام داشت و با فشاری ایالات متحده و آلمان فدرال بر سیاست دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی را محکوم کرده



دیالکتیک ماتریالیستی نسخه‌های حاضر برای عمل در هر مورد جداگانه ارائه نمی‌دهد. باید در هر مورد شرایط تاریخی مشخص را به حساب آورد، و این امر مستلزم تحلیل تئوریک و سیاسی مشخص است. اما بدون تسلط بر دیالکتیک نمی‌توان مسایل ویژه را حل کرد. البته بعید به نظر می‌رسد که یک فیلسوف، حتی اگر بر مبدی دیالکتیک هم مسلط باشد، در این باره تصمیم بگیرد که کمونیست‌های یک کشور، در یک دولت بورژوازی باید شرکت کنند یا نه. اما اگر حزبی انقلابی در برابر چنین تصمیمی قرار گیرد، اصول تدوین شده توسط لنین درباره پیوند میان اشکال مختلف مبارزه طبقاتی و رولتاریا، ضرورت دستیابی به قدرت سیاسی به مثابه پیش شرط گذار به ساختمان سوسیالیسم و غیره برای او ابزاری بی‌جانشین است.

آموزش طبقات و مبارزه طبقاتی به خودی خود توضیح نمی‌دهد که چرا امروز طبقه کارگر کشورهای صنعتی پیشرفته سرمایه‌داری به مثابه پیشاهنگ انقلابی توده‌های مردم، همیشه و در هر موقعیتی توان بالقوه سیاسی خود را نشان نمی‌دهد و در فعالیت انقلابی آن، افت و خیز وجود دارد. برای دادن پاسخی واقعی به این پرسش‌ها، باید از دستاوردهای علم تاریخ، اقتصاد و سایر علوم بهره گرفت. حتی اگر به صحت یک قانون عمومی کشف شده اطمینان داشته باشیم، نباید از نظر دور بداریم که محتوای روند اصلی تحت تاثیر عوامل ثانویه نیز قرار دارد. با سطح کنونی پیشرفت علوم اجتماعی، تحلیل سیاسی مبتنی بر دیالکتیک ماتریالیستی مستلزم استفاده از دستاوردهای یک سلسله از علوم اجتماعی است.

مارکسیسم-لنینیسم نه تنها در نظر گرفتن شرایط کاربست این یا آن اصل، بلکه همچنین تکامل و غنا بخشیدن به محتوای آن اصل مطابق با شرایط مشخص را می‌طلبد. نباید این گفته مارکس را فراموش کرد: "ما جزم‌گرایانه به جهان برخورد نمی‌کنیم، اصل جدید را در برابر جهان قرار داده و نمی‌گوییم: این است حقیقت، اینک زانو بزن! ما برای جهان، از اصول خود جهان، اصول جدیدی می‌سازیم." روش لنینی و روح مارکسیسم-لنینیسم حکم می‌کند که به رابطه فلسفه و سیاست نیز باید در نظر گرفتن شرایط جدید به طور مشخص تکیه کرد.

در مرحله کنونی تکامل تاریخی با مسایل پیچیده و متنوع آن، یافتن پیوند مطلوبی میان فلسفه و پراتیک، جهان بینی و سیاست، البته ساده نیست. این وظیفه را تنها می‌توان با کاوش دایمی تئوریک و فلسفی، که به مسایل بنیادین تمدن دوران ما پاسخ دهد، انجام داد. و هیچ‌کس به جز احزاب کمونیست و کارگری، به جز تئوریسین‌هایی که به سبک واقعا لنینی بیاندیشند، نمی‌توانند این وظیفه را به نفع طبقه کارگر و آینده کل بشریت انجام دهند.

بود. برای آن‌ها تنها ابزار عقیده یک اکثریت مجرد و یک اقلیت مجرد مهم است، و نه این که این، کدام اکثریت و کدام اقلیت است. آن‌ها می‌گویند مساله ماهیت طبقاتی دمکراسی در شرایط کنونی غیر عادی است.

دیدگاه لنین درباره پیوند فلسفه و سیاست

لنین از آغاز فعالیت سیاسی و فلسفی خود میان این دو همواره نه تنها ارتباط متقابل، بلکه مرز مشخصی نیز قایل بود. او به رابطه فلسفه و سیاست از دیدگاه پیگیر دیالکتیکی می‌نگریست.

در دوره‌ای که نخستین انقلاب روسیه شکل می‌گرفت، تضمین وحدت سازمانی حزب مهمترین وظیفه بود. در آن موقعیت، برخی اختلاف نظرهای فلسفی غیر بنیادین می‌توانست تحت الشعاع قرار گیرد. لنین دیدگاه خود را چنین توضیح می‌دهد: "در تاپستان و پاییز ۱۹۰۴، ما با بوگدانوف به مثابه بلشویک‌ها بطور نهایی به توافق رسیده و بلوک ضمنی‌ای را تشکیل دادیم که فلسفه را به مثابه عرصه خنثی به طور ضمنی کنار نهاد، در تمام طول انقلاب به حیات خود ادامه داد و به ما امکان داد تا در انقلاب مشترک تانکتیک سوسیال دمکراسی انقلابی (یعنی بلشویسم) را که به نظر من تنها تانکتیک درست بود، دنبال کنیم."

پس از شکست نخستین انقلاب روسیه وظایف دیگری در برابر جنبش کارگری قرار گرفت. می‌بایستی آموزش‌های تئوریک مورد ارزیابی مجدد قرار می‌گرفت. همچنین این امر نیز از اهمیت برخوردار بود که توده‌های مردمی که بر اثر رویدادهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ به عمل انقلابی روی آورده، اما در مکتب تئوری آموزش ندیده بودند، به لحاظ فکری آیدیده شوند. مسایل ایدئولوژیک و تربیتی در مرکز توجه قرار گرفتند. بدیهی است که مباحثات فلسفی بسیار حادی، از اهمیت سیاسی روز برخوردار شدند.

لنین قادر گردید در پیرامون فضای پژوهش شجاعانه و بحث رفیقانه، فضای تبادل نظر را ایجاد کند، تبادل نظری که در آن، هدف جستجوی حقیقت بود، بدون آن که وحدت عمل و همکاری کمونیست‌ها با مانع مواجه گردد. اما هر گاه سخن بر سر محتوای مارکسیسم بود، هر گاه کوشش می‌شد عمل کمونیست‌ها از مضمون طبقاتی تهی گردد و خصلت انقلابی اهداف و اشکال مبارزه برای آن‌ها منسوخ شود، لنین لازم می‌دانست قاطعانه با هر گونه اپورتونیسم و رویزیونیسم، دکماتیسم و سکتاریسم به مقابله برخیزد. لنین وقتی در مارس ۱۹۰۸ کار روی "ماتریالیسم و امپر یوکریتیسیسم" را آغاز کرد، خطاب به ماکسیم گورکی نوشت: "شما باید درک کنید و حتما درک خواهید کرد که وقتی یک عضو حزب به این نتیجه برسد که آموزش معینی، به کلی خطا و مضر است، تعهد دارد که علیه این آموزش موضع بگیرد."

جنبش جهانی کمونیستی در رابطه با تاثیر متقابل و مشترک فلسفه و سیاست، جهان بینی و پراتیک تجاری بی‌غنی کسب کرده است. شرایط مشخص تاریخی در هر مورد متفاوت است. مهم آن است که منتقد دیدگاه لنین درباره پیوند فلسفه و سیاست صحت کامل خود را حفظ کرده است.

انقلاب افغانستان و سنن ملی

یقینه از صفحه ۱۲



قبایل، که عبارت بودند از فراخوان به خلق افغانستان، پیام به خلق‌های منطقه و پیام به دبیر کل سازمان ملل متحد، مصوبات این گردهمایی تشریح و مستدل گردیدند. همه مردم دارای حسن نیت و عقل سلیم به حمایت از تحقق این مصوبات دعوت شدند. در پیام به دبیر کل سازمان ملل متحد به ویژه به موقعیت فلاکت بارم میهنان فریب خورده ما اشاره گردید که در به اصطلاح اردوهای پناهندگان در پاکستان و ایران زندگی دشواری داشته و از هر گونه حقوق دموکراتیک محرومند.

حزب ما با صراحت و صداقت پذیرفته است که تا آغاز مرحله نوین انقلاب، باند ضد خلقی امین خاں، دیکتاتوری توتالیتر ایجاد کرده بود. از سوی دیگر در جرگه‌های قبایل و اقوام نیز به عدم اعتماد نسبت به حکومت دامن زده می‌شد. قدرت انقلابی در آغاز نتوانست دموکراسی جرگه‌ای را جذب کند و این نیروی بزرگ را به مرتجعین واکذار کرد. حتی جرگه‌های قبایل مختلف علیه دولت جدید دعوت به "جهاد" کرده بودند.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در پلنوم شانزدهم خود در آبان ماه ۱۳۶۴، برنامه مشخصی برای تحقق عملی برخورد نوین به گسترش و تحکیم پایگاه اجتماعی قدرت انقلابی تدوین نمود. با مصوبات پلنوم، مشی استراتژیک حزب برای دموکراتیزه کردن هرچه بیشتر زندگی اجتماعی و سیاسی و برای تحکیم مواضع انقلاب در افغانستان از طریق مشارکت دادن تمام خلق، تکامل داده شده.

هیچ یک از حکومت‌های پیشین توان برگزاری چنین گردهمایی‌ای را در خود نمی‌دیدند.

در این مجمع، دو گرایش با هم پیوند خوردند: یکی سنت‌هایی دموکراسی قبیله‌ای و جرگه‌های قبایل و دیگری مشی حزب و دولت انقلابی برای ایجاد قدرت دموکراتیک با محتوای نوین و با استفاده از اشکال قدیمی سنتی.

طی سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۴، در مناطق مختلف افغانستان به طور خود انگیخته جرگه‌های متعدد قبایل تشکیل گردید. این مجامع، به عبارتی پیش‌قراول جرگه عالی قبایل بودند. در جرگه قبیله خویزی از قوم مهمند (در منطقه دره خیبر) تصمیم گرفته شد به کاروان‌های اسلحه و مهمات برای ضدانقلابیون اجازه عبور از منطقه این قبیله داده نشده و امکان استقرار گروه‌های اشرا در این ناحیه سلب گردد. در جرگه مشترک قبایل مهمند در آفرماه ۱۳۶۲، دخالت پاکستان در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان قاطعانه محکوم گردید. جرگه‌های قبایل افریدی و شینواری نیز در اردیبهشت ماه ۱۳۶۴ علیه سیاست ضد افغانی اسلام آباد اعتراض کردند.

نمونه‌هایی از این دست، بسیاریند. این همه، نشانگر آن است که قبایل ضرورت پیوند دادن اشکال سنتی دموکراسی با حل مسائل امروز را دریافته‌اند. از این رو، ۲۵۰۰ نماینده حاضر در جرگه عالی قبایل پیشنهاد حزب دموکراتیک خلق و دولت افغانستان مبنی بر تلفیق سنت‌های توده‌ها با تحولات انقلابی در سراسر کشور را به اتفاق تایید کردند. در اسناد مصوب جرگه عالی

اردیبهشت ماه ۱۳۶۴، در کابل جرگه بزرگ نمایندگان منتخب قشلاق‌ها، نواحی، مناطق، شهرها و استان‌ها تشکیل جلسه داد. پیش از آن در سطوح پایین‌تر جرگه‌ها تشکیل شده بود. مجموع ۱۷۹۶ فرستاده انتخاب گردیدند. از این میان، ۱۱/۶ درصد کارگر، ۲۶ درصد دهقان، ۲۳ درصد روشنفکر، ۱۱ درصد روحانی و ۲ درصد پیشه‌ور و کارفرما بودند. ۲۵/۴ درصد نمایندگان، روسای قبایل و شخصیت‌های مورد احترام زندگی اجتماعی بودند. در حدود ۲۰ درصد شرکت‌کنندگان در "لویه جرگه" را اعضای اصلی و یا آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تشکیل می‌دادند. این ارقام را ببینید، بر نمی‌شماریم، چرا که ماهیت واقعا دموکراتیک مجمع مزبور را که در آن همه اقوام و قبایل و همه گروه‌های اجتماعی کشور نمایندگی می‌شدند، بازتاب می‌دهد.

هر کس که از پیش‌دآوری میرا باشد، تایید می‌کند که "لویه جرگه" سال ۱۳۶۴ از اساس با همه جرگه‌های پیشین متفاوت بود. جرگه تشکیل گردید تا با صراحت و صداقت درباره حادترین مسائل افغانستان امروز به بحث بپردازد. این مسائل در نطق ببرک کارمل، دبیر کل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به صراحت و روشنی تشریح گردیدند و عبارتند از: اولاً- مبارزه علیه امپریالیسم تجاوزکار جهانی و ارتجاع محلی و علیه ضدانقلاب مسلح نفوذ داده شده از خارج و ثانیاً- تکامل بخشیدن به زندگی سیاسی داخلی، به ویژه گسترش قدرت واقعا مردمی، قدرتی که هم به هر آنچه نو و نمره انقلاب است و هم به سنن تاریخی خلق افغان متکی باشد و ثالثاً- دگرگونی اجتماعی و اقتصادی کشور و تحقق برنامه‌های همه جانبه برای رشد اقتصاد، ببرک کارمل همچنین به مسائل رشد فرهنگی و معنوی مردمی و بسیاری از مسایل دیگر پرداخت.

قبایل مرزی از انقلاب دفاع می‌کنند

در روزهای ۲۲ و ۲۴ شهریور ماه ۱۳۶۴، در کابل جرگه عالی قبایل مرزی تشکیل شد. چنین مجمعی در تاریخ افغانستان سابقه نداشته است.

می‌پذیرد که جنگ اعلام نشده امپریالیسم و عوامل آن علیه افغانستان انقلابی ایجاد بی‌سابقه‌ای یافته است. بدون تردید تشدید جنگ و ددمنشی افراطی ضدانقلابیون، تحقق فوری و پیگیر این روند را کند می‌کند. اما درست تحت همین شرایط، هر گام برای تقویت و گسترش دموکراسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا از این طریق، دستاوردهای انقلاب حفظ و تحولات انقلابی تعمیق می‌گردد. برای توده‌های خلق، مبارزه علیه ضدانقلابیون، به مبارزه برای قدرت، آزادی و استقلال خود تبدیل می‌گردد. در مقابل، ضدانقلابیون در موقعیت بسیار دشواری قرار می‌گیرند. اینک مبارزه با ضد انقلاب به معنای رویارویی با سنت‌های دیرینه خودگردانی دموکراتیک خلق که توسط انقلاب احیاء شده نیز هست. بدین ترتیب بطور اجتناب ناپذیر، پایگاه اجتماعی ضدانقلابیون پیوسته کوچکتر خواهد شد.

این همه، بیانگر آن است که حزب ما از طریق استفاده از اشکال سنتی دموکراسی جرگه‌ای - قبیله‌ای، قادر به ادغام و پیوند زدن آنها با وظایف مربوط به تحولات اجتماعی - اقتصادی انقلابی و ساختمان جامعه نوین است. استراتژی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مرحله کنونی انقلاب ملی - دموکراتیک بطور خلاصه در آن است که قدرت انقلابی را از طریق دموکراتیزه کردن پیگیر و همه جانبه، تحکیم و گسترش دهد. باید تاکید کرد که مایطی کاوش طولانی و پرتلاش تئوریک و کار عمیق تئوریک به این نظریه رسیده ایم. این نظریه، به عبارتی نمره مبارزه بیست ساله، تحلیل علمی و کار بست خلق مارکسیسم - لنینیسم و تجارب غنی و جمعی احزاب برادر بر شرایط پیچیده و ویژه افغانستان است. همچنین باید تاکید کرد که مشی امروز ما در وهله اول نتیجه مرحله تکاملی نوین روند انقلابی در کشور است. اگر چه اندیشه‌ها و تئزهای بنیادین این مشی، هم در دوره تدارک انقلاب شور و هم در فاز نخست آن پرورانه شدند، در تحقق کامل آنها تنها پس از آغاز مرحله نوین امکان پذیر گردید.

"لویه جرگه"

مجمع نمایندگان واقعی مردم از تاریخ سوم تا پنجم

ابتکار جدید صلح شوروی

اورتگا: هدف آمریکا از حمله به نیکاراگوئه سرکوب آزادی است

دانیل اورتگا رییس جمهور نیکاراگوئه طی یک سخنرانی در ماناگوا گفت هدف ایالات متحده از اعمال فشار به انقلاب نیکاراگوئه، نابود کردن "سرمشق خطرناک" آزادی و استقلالی است که این انقلاب فرا راه سایر خلق‌های آمریکای لاتین قرار داده است.

اورتگا مباحثات جاری در کنگره آمریکا درباره کمک به ضدانقلابیون نیکاراگوئه را به عنوان نقض ابتدایی‌ترین حقوق بین‌المللی محکوم کرد. وی گفت واشنگتن به خوبی آگاه است که طرفداران سوموزا دیکتاتور سابق قادر به سرنگونی نظام و حکومت مردمی نیکاراگوئه نیستند، و از این روی خواهد هندوراس، کشور همسایه نیکاراگوئه را به تجاوز علیه این کشور واداشته و در نهایت، نیروهای آمریکایی را مستقیماً وارد عمل سازد.

رییس جمهور نیکاراگوئه اعمال فشار آمریکایی کشورهای "گروه کونتادورا" برای قطع تلاش‌های آن‌ها در راه صلح را محکوم کرده و گفت در مقابل سیاست و پیشنهادهای انعطاف پذیر و سازنده نیکاراگوئه در قبال کشورهای "کونتادورا"، دولت ریگان به تجاوز علیه نیکاراگوئه دامن زده و موقعیت خطرناکی در آمریکای مرکزی ایجاد کرده است.

خبرگزاری آمریکایی آسوشیتدپرس جزئیاتی درباره برنامه سری جدید سازمان سیا برای کمک به ضدانقلابیون نیکاراگوئه منتشر ساخت. این خبرگزاری با ارائه اسناد و مدارکی ثابت کرده است برخلاف مصوبات قبلی کنگره آمریکا، چند میلیون دلار صرف کمک به باند‌های ضدانقلابی ورشو دادن به سیاستمداران کشورهای همسایه نیکاراگوئه برای کمک اجازه استقرار اپاگاه‌های ضدانقلابیون در این کشورها شده است.



میخائیل گارباجف حین سخنرانی در کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان و اعلام ابتکار جدید صلح شوروی

میخائیل گارباجف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی سخنرانی در یازدهمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان، پیشنهادهای جدیدی در زمینه خلع سلاح ارایه نمود. وی ضمن تأکید مجدد بر این امر که کشورش مرکز در عملیات جنگی علیه اروپای غربی پیش‌دستی نخواهد کرد، گفت ابتکار جدید اتحاد شوروی مربوط به تسلیحات و نیروهای نظامی غیرهسته‌ای است، و افزود: "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پیشنهاد می‌کند همه اجزای نیروهای زمینی و نیروهای هوایی تاکتیکی کشورهای اروپایی و نیروهای شاه ایالات متحده آمریکا و

رهبر شوروی آزمایش‌های اتمی اخیر ایالات متحده را شدیداً محکوم کرده و "تجاوز تحریک آمیز" آمریکا علیه لیبی را تبییح نمود. وی افزود اوضاع جهانی که متشنج است، توسط آمریکا باز هم پیچیده‌تر می‌شود. دبیر کل حزب کمونیست شوروی اظهار داشت: "سوداگران اسلحه آمریکایی وقتی به خلع سلاح می‌اندیشند، لرزه بر اندامشان می‌افتد." وی تأکید کرد نباید به آمریکا اجازه داد با مطرح کردن تروریسم، خود را به مقام قاضی بین‌المللی منصوب سازد. گارباجف گفت اقدامات میلیتاریستی اخیر آمریکا و نیز افزایش تهدیدات این کشور علیه نیکاراگوئه نشانگر مشی عمومی واشنگتن است

کانادا که در اروپا استقرار یافته‌اند، کاهش چشمگیری یابند." طبق این پیشنهاد، واحدهای مربوطه منحل گردیده و تسلیحات آن‌ها از بین رفته و یا از اروپا خارج خواهد شد. این پیشنهاد، کل اروپا، از سواحل اقیانوس اطلس گرفته تا سلسله جبال اورال را دربرمی‌گیرد. هم‌زمان با سلاح‌های غیرهسته‌ای، تسلیحات هسته‌ای عملیاتی - تاکتیکی نیز کاهش خواهند یافت. گارباجف خاطرنشان ساخت این روند می‌تواند چیده کمک و وسایل فنی هر کشور و یا اشکال مراقبت بین‌المللی، از جمله بازرسی‌های مستقیم در محل، تحت کنترل قرار می‌گیرد.

الیور تامبو: آفریقای جنوبی نوین در گرماگرم مبارزه زاده می‌شود

اخبار کوتاه

* بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست بلژیک در بروکسل گشایش یافت. مسایل مبارزه علیه بیکاری جمعی، سیاست‌های ضد اجتماعی دولت و محدود کردن حقوق دموکراتیک در دستور کار این کنگره قرار دارد.

* جرگه بیش از ۲۰ قبیله پشتون با شرکت ۱۵۰ نماینده در کابل تشکیل گردید. این قبایل در استان‌های مرزی شمال غربی پاکستان زندگی می‌کنند. در پایان این اجلاس، یک سلسله اسناد به تصویب رسید. جرگه در قطع‌نامه خود خاطرنشان ساخت رژیم ضیاالحق به گونه‌ای جدی آزادی قبایل را که طی سال‌ها مبارزه علیه استعمار بریتانیا به دست آمده، به خطر افکنده است، اما نخواهد توانست این قبایل را از دفاع از حقوق خود بازدارد. نمایندگان قبایل از دولت افغانستان به علت حمایتی که تحت شرایط سخت از آن‌ها به عمل می‌آورد، تشکر کردند.

* در شیلی واحدهای مسلح پلیس و ارتش رژیم پینوشه، روز پنج‌شنبه گذشته، حدود ۵۰۰ تن از دانشجویانی را که در سانتیاگو دست به تظاهرات زده بودند، دستگیر کرد.

منابع لازم برای افزایش سطح میلیون‌ها سبایه‌یوست را که امروز در فقر و عقب ماندگی به سر می‌برند، در دست خواهد داشت. همچنین نظام مبتنی بر تبعیض نژادی حاکمیت بر ابزار تولید لغو خواهد گردید. موقعیتی ایجاد خواهد شد که در آن رقابت آزاد سرمایه‌داران خصوصی امکان پذیر خواهد گردید، امری که در شرایط حاکمیت به انحصار اصلی، غیر ممکن است.

الیور تامبو در رابطه با حقوق اقلیت سفیدپوست در آفریقای جنوبی آینده گفت: "کنگره ملی آفریقای این اصلی متکی است که هر انسان حق دارد به عنوان فرد قلمداد شود، با آزادی زندگی کند و به مثابه انسان رشد کند، به شرطی که آزادی دیگران را نقض ننماید. ما بر این دیدگاه انسان‌دوستانه تکیه داریم که تصادف تولد، نباید برای هیچ فردی به معنای تبعیضات مداوم و با امتیازات باشد. ما اطمینان داریم این آرمان‌ها در آفریقای جنوبی تحقق یافتنی است." وی افزود رهبری و اعضای کنگره ملی آفریقا، وابسته به همه گروه‌های نژادی آفریقای جنوبی هستند، و در خاتمه گفت: "در گرماگرم مبارزه است که آفریقای جنوبی نوین، متحد، دموکراتیک و غیر نژادپرست شکل نهایی به خود خواهد گرفت."

الیور تامبو رییس کنگره ملی آفریقا طی دیداری از آلمان فدرال، چشم‌انداز آتی مبارزه علیه رژیم آپارتاید را از دیدگاه این سازمان تشریح نمود. وی طی یک سخنرانی، به عمده‌ترین مسایل مربوط به بیکاری علیه رژیم نژادپرست پرتوریا پرداخت.

تامبو گفت: "مبارزه ضد استعماری، ضد نژادپرستی و ضد فاشیستی در آفریقای جنوبی به پایان پیروزمند خود نزدیک می‌شود. این مبارزه برای دستیابی به هدف خود، باید تولد یک آفریقای جنوبی متحد، دموکراتیک و غیر نژادپرست را به دنبال داشته باشد."

رییس کنگره ملی آفریقا ضمن تأکید بر اصل "هر فرد یک رای"، خاطر نشان ساخت هدف جنبش رهایی بخش آفریقای جنوبی، ایجاد یک دولت متمرکز است که هیچ یک از اجزای آن بر معیاری نژادی یا قومی استوار نباشد. وی افزود برنامه اصلاحات ارضی، باید متضمن توزیع عادلانه‌تر زمین‌ها، که در حال حاضر ۸۷ درصد آن‌ها در دست سفیدپوستان، یعنی کمتر از ۲۰ درصد جمعیت کشور است، باشد. تامبو تأکید کرد بخش‌های تعیین‌کننده اقتصاد باید در مالکیت عموم باشد. از این طریق، دولت دموکراتیک

انقلاب افغانستان و سنن ملی

یکشنبه هفتم اردیبهشت ماه، مصادف با هشتمین سالگرد انقلاب پیروزمند شور در افغانستان است. "اکثريت" در شماره های اخیر خود آن پیردازد. در این شماره، با توجه به اینکه در سال گذشته، مشارکت روزافزون اقوام و قبیایل مختلف افغانستان در تعیین سرنوشت کشور و افزایش نقش آنها در دفاع از انقلاب، از روندهای تعیین کننده در مبارزه انقلاب و ضد انقلاب، بوده، فشرده مقاله ای از رفیق محمود بریالی کاندید دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان در شماره ۴ سال ۱۹۸۶ نشریه مسائل صلح و سوسیالیسم را برای چاپ برگزیده ایم.

★ ★ ★

در سال گذشته در کشور ما وقایع مهمی روی داد، که عبارتند از تشکیل "لویه جرگه"، آغاز انتخابات جرگه های محلی و تشکیل جرگه های عالی قبايل مرزی. تاریخ جرگه ها به صد سال پیش بازمی گردد. از همان دیر باز، جرگه ها شکل دمکراتیک حل مسائل قبايل بودند. جرگه ها محصول دمکراسی قبیله ای بوده و از سنتی دیرینه برخوردارند. جرگه ها در تاریخ خلق افغان همواره به اشکال مختلف تشکیل شده اند. از این رو می توان افغانستان را کشور جرگه ها نامید.

البته این برش به حق مطرح می گردد که چرا انقلاب سنت های نظام قبیله ای را حفظ می کند. می توان بر این عقیده بود که انقلاب باید به جای به کار گرفتن اشکال کهن، اشکال نوینی بیافریند. اما باید نظریه مارکسیستی - لنینیستی درباره نقش نفی در روند تکامل را به یاد آورد. لنین، که نفی را مهمترین عنصر دیالکتیک می نامید، نوشته است که سخن نه بر سنی پیروده، که درباره نفی به مثابه عنصر هم پیوندی و عنصر تکامل "در عین حفظ عامل مثبت" است. باید این نکته را در نظر داشت

که دگرگونیهای اجتماعی - اقتصادی ناشی از برقراری مناسبات استثماری، بر طرز فکر توده های مردم در افغانستان تاثیر نیرومندی نداشته است. در کشور ما، فئودالیسم قادر نگردید مناسبات قبیله ای را به سرعت و بطور کامل محو کند، بلکه با دمکراتیسم ابتدایی این مناسبات در تضادی طولانی قرار گرفت. سرمایه داری نیز در هنگام انقلاب از رشد ضعیفی برخوردار بود. سنت های دمکراسی قبیله ای، در شعور توده ها حفظ شده و به ویژه تحت شرایط بسیار پیچیده و حاد، بروز می کرد.

حزب دمکراتیک خلق افغانستان به سنن صدها ساله خلق توجه شایسته ای مبدول

حزب دمکراتیک خلق افغانستان به سنن صدها ساله خلق ما توجه شایسته ای مبدول

اریش هونکر در کنگره یازدهم حزب سوسیالیست متحد آلمان:

جامعه ای که ایجاد کرده ایم، به خود می بالد

داشت در پنج سال گذشته، سوسیالیسم در جمهوری دمکراتیک آلمان به رشد خود ادامه داده است. در این کشور برخلاف جمهوری فدرال آلمان، جامعه ای ایجاد شده که در آن استثمار انسان از انسان محو گردیده و نیروهای خلق مردم امکان شکوفایی کامل را یافته اند. سطح زندگی مردم به حدی بی سابقه در تاریخ این کشور رسیده است. بیکاری، برای مردم آلمان دمکراتیک مقوله ای از جهانی دیگر، جهانی بیگانه است. تامین اجتماعی، اشتغال کامل و امکانات مساوی تحصیل برای همه فرزندان خلق تحقق یافته اند.

اریش هونکر افزود طبقه حاکم، یعنی طبقه کارگر، در اتحاد با دهقانان، روشنفکران و همه زحمتکشان جامعه ای ایجاد کرده که می تواند به خود بیاند. طی پنج سال گذشته، زحمتکشان آلمان دمکراتیک معادل ۱.۸۷ میلیارد مارک تولید کرده اند. افزایش درآمد ملی این کشور، به میزان ۹۰ درصد ثمره افزایش بازده کار بوده است. از هنگام تاسیس جمهوری دمکراتیک آلمان در سال ۱۹۴۹، ۱/۹ میلیون نفر تحصیلات عالی را پشت سر گذاشته اند (جمعیت این کشور در حدود ۱۷ میلیون نفر است). در حالی که در آلمان فدرال ده ها هزار نفر دارای تحصیلات عالی، بیکارند، در جمهوری دمکراتیک آلمان همه در رشته تخصصی خود کار می کنند. رهبر آلمان دمکراتیک در ادامه مقایسه دستاوردهای سوسیالیسم در این کشور با وضعیت سرمایه داری در آلمان فدرال، با اشاره به ماجرای رشوه خواری اخیر آلمان فدرال گفت در آلمان دمکراتیک، "انتخاب نامزدهای ارکان های نمایندگی مردم با ماجراهای رشوه دمی بانک ها و شرکت ها همراه نیست."

دستاوردهای پنج سال تلاش

در گزارش به کنگره یازدهم،
بقیه در صفحه ۹

پنجشنبه گذشته در "کاخ جمهوری" برلن، یازدهمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان گشایش یافت. پیش از ۲۶۰۰ نماینده کنگره، با ابراز احساسات شدید و خواندن سرود از میخائیل گارباجف، دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی که میهمان کنگره است، استقبال کردند. در مجموع ۱۴۰ هیات از احزاب کمونیستی، کارگری، انقلابی - دمکراتیک، سوسیالیست و سوسیال دمکرات در یازدهمین کنگره حزب کمونیست های آلمان دمکراتیک شرکت دارند.

اریش هونکر دبیر کل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان گزارش کمیته مرکزی را به کنگره ارائه داد.

در بخش اول گزارش آمده است، "هرگاه مر آن چه را که از کنگره دهم بر اثر فعالیت ما روی داده، به ترازوی زندگی پسندیم، می توانیم در این کنگره یازدهم اعلام داریم: حزب ما به حرف خود عمل کرده است. ما مصوبات دهمین کنگره را تحقق بخشیده ایم."

اریش هونکر گفت اجرای مصوبات کنگره دهم در دوره ای صورت پذیرفت که با تضادهای حاد بین المللی همراه بود، و افزود در تحقق تصمیمات کنگره پیشین، حمایت حزب لنین، اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی نقش بزرگی ایفا کرد.

رهبر آلمان دمکراتیک اظهار

منتشر شد:

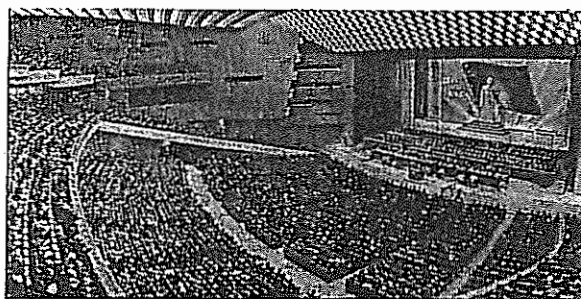
گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

توسط رفیق میخائیل گارباجف

به

بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

۲۵ فوریه ۱۹۸۶



AKSARIYAT
NO. 103
MONDAY APR 21, 86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY